



## رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست و کارکرد آن در تولید قدرت نرم

اشرف‌السادات شنایی\* | سید محمد کاظم طباطبایی\*\*

### چکیده

قدرت نرم، برآیندی از چهره مثبت و لطیف قدرت است که در آن جلوه مثبتی از سیاست‌ها ارائه می‌شود؛ به طوری که مردم بدون هیچ اجبار و اکراهی، اهداف حکومت را محقق سازند. یکی از منابع مهم تولید قدرت نرم، رعایت اخلاق در حوزه سیاست است. در این مقاله - به روش اسنادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی - به بررسی رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست و کارکرد آن در تولید قدرت نرم، پرداخته شده است. نتیجه پژوهش، مشخص می‌سازد که امام علی (ع) به شدت و سرسختانه به رعایت ارزش‌های اخلاقی پایبند بوده‌اند و رویکرد آن حضرت به اخلاق در حوزه سیاست، بر پایه چهار اصل - «اصالت اخلاق و عدم استفاده ابزاری از آن»، «ثبات ارزش‌های اخلاقی و انعطاف‌ناپذیری آن حتی در حادترین شرایط سیاسی»، «کنترل و مهار قدرت توسط اخلاق» و «همبستگی و پیوستگی اخلاق و سیاست» - استوار است. این رویکرد، سبب نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه شده و مانع بروز فساد در مراکز تجمع قدرت و سیاست خواهد بود و به همین دلیل، کارآیی و کارآمدی بالایی در تولید قدرت نرم دارد. شناخت رویکرد علوی به اخلاق، اشکالات نظریه قدرت نرم - همچون نگاه ابزاری و سودگرایانه به اخلاق، نسبی و سلیقه‌ای بودن ارزش‌ها، و جدایی اخلاق از سیاست - را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

### کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، کارکرد اخلاق، قدرت نرم، سیاست و اخلاق، رویکرد امام علی (ع) به اخلاق.

\* دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | sh.nahj@gmail.com

\*\* استادیار دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران. | Tabakazem@gmail.com

## مقدمه

در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای بازاندیشی و نواندیشی در برخی مقولات فکری مرتبط با سیاست بین‌الملل صورت گرفته که نظریه‌های مربوط به «قدرت» در این رهگذر، بی‌نصیب از جریان تغییر و تحوّل نبوده‌اند. «قدرت» یکی از عناصر پایه‌ای و بنیادین در سیاست و بین‌الملل است که مفهوم و برداشت از آن، جایگاهی مهم در علم سیاست و به‌ویژه روابط بین‌الملل دارد. «قدرت» در ساده‌ترین تعریف، به معنای «توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود است» (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۲۴۷) و اغلب به معنای «دست یافتن به نتیجه مطلوب است که در آن بحث تأثیرگذاری و نفوذ نیز نهفته است» (هیوود، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳).

پیش از این گمان می‌شد که تنها راه دست‌یابی به قدرت و اعمال آن، توسل جستن به زور و تهدید و یا تطمیع است، اما با گسترش جوامع اجتماعی و به سبب دگرگونی در ماهیت سیاست‌های بین‌الملل، این نوع نگاه به قدرت تغییر یافت و شیوه وصول به قدرت و اعمال آن، ابعاد تازه‌تری یافت. در این راستا، اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی سعی کردند تا با طرح دیدگاه‌های جدید، شرایط تحصیل و اعمال قدرت را مورد بررسی و تحلیل بیشتری قرار داده و به شکل‌های نامحسوس قدرت، اهمیت بیشتری دهند. یکی از نظریه‌پردازان پیشرو در این زمینه، جوزف نای - استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد - است که در سال ۱۹۹۰، مفهوم جدید «قدرت نرم» را در کنار «قدرت سخت» مطرح کرد (see Nye, 1990) که نظریه او، هم‌اکنون، نظریه مسلط در حوزه پژوهش‌های ناظر به قدرت نرم است. او با گذر از منابع زر و زور، چهره جدیدی از قدرت پدیدار کرد که در آن مردم با رضایت و اختیار خود، از حاکمان و اصحاب قدرت اطاعت و تبعیت می‌کنند. مفهوم رایج قدرت نرم، «توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه است؛ نه اجبار یا تطمیع» (نای، ۱۳۸۷، الف، ص ۴). این نوع قدرت، بر منطق جذابیت و بر مبنای انطباق و هماهنگ‌شدن با مردم استوار است و با دستیابی به قلوب و اذهان مردم، آنها را همسو می‌سازد؛ به‌طوری‌که مردم نه از سر اجبار و اکراه، بلکه با رضایت‌مندی کامل، تن به قدرت داده و خواسته‌های قدرتمند را اجابت می‌کنند (نای، ۱۳۸۷، ب، ص ۱۳؛ ۶، جکونیز، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲؛ پوراحمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸؛ Gary, 6, p. 2004). قدرت نرم - به جای جنبه‌های سخت‌افزاری قدرت - بر جنبه‌های نرم‌افزاری آن تأکید داشته و در پی اقیانوس‌سازی و ایجاد رضایت برای همراه نمودن مردم در راستای مطیع و معجب کردن آنان است و به همین دلیل - در قیاس با قدرت سخت که بر شالوده زور و اجبار مبتنی است - تأثیرگذاری عمیق‌تری دارد (نای، ۱۳۸۷، ب، ص ۹۲؛ میلسون و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰؛ هرسیچ و توپسیرکانی،



۱۳۸۹، ص ۱۵۹). این نوع قدرت، قدرت هدایت کردن، جذب کردن و سرمشق قرار گرفتن نیز هست و به نوعی بر مفاهیمی چون نفوذ، اقتدار و حتی مشروعیت مبتنا دارد و با قدرت‌هایی نظیر قدرت فرهنگی، اقتصادی و... ارتباطی تنگاتنگ دارد (نای، ۱۳۸۷ الف، ص ۲۵).

منابع تولید قدرت نرم، متفاوت و متعددند و شامل هر امر محسوس و یا غیر محسوسی می‌شود که ویژگی جذب و اقناع داشته و سبب تأثیرگذاری غیر تهدیدآمیز، و اعمال قدرت بدون اجبار و تطمیع شود (نای، ۱۳۸۷ ب، ص ۷۴). بر این مبنا، اغلب، جذابیت‌های فرهنگی و ارزشی، سیاست‌های مشروع و مقبول، جاذبه‌های اخلاقی، مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیر کلامی (سخنوری، نوپسندگی، داستان‌نویسی، سبک زندگی و پوشش و...)، اقدامات تبلیغی و اقناعی، ارتباطات دیپلماتیک و... از مؤلفه‌های نرم‌افزاری در جهت به دست آوردن اذهان و قلوب و در نتیجه، تولید قدرت نرم‌اند (نای، ۱۳۸۷ ب، ص ۷۴؛ افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). به دلیل تعدد و تنوع مؤلفه‌ها و منابع قدرت نرم، سنجش دقیق و همه‌جانبه قدرت نرم یک رهبر و یا یک حکومت دشوار است، ولی معمولاً فرد، کشور یا گروهی واجد قدرت نرم دانسته می‌شود که مؤلفه‌های پیش‌گفته را داشته باشد و بتواند با تأثیرگذاری بر باورها و عقاید، جلوه مثبتی از فرهنگ و سیاست‌های خود ایجاد کند؛ به طوری که هر نوع مانع یا انگیزه مقاومتی را بازستاند و از این طریق خواسته‌های خود را محقق سازد (نای، ۱۳۸۷ ب، ص ۷۵؛ میلسون و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۵۰) و یا «بتواند موضوعات مورد علاقه خود را به دستور جهانی تبدیل کرده و اراده و خواست خود را بر آماج محدود یا پرشمول تحمیل کند» (Ferguson, 2007, p. 134؛ ایاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۹) و یا «از ایدئولوژی جذابی برخوردار بوده و بر ارزش‌های اخلاقی و احساس مسئولیت اجتماعی تأکید بیشتری بورزد و الگوهایش از جذابیت و مقبولیت بیشتری برخوردار باشد» (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۸۳)؛ رعایت اخلاق و توجه به ارزش‌های اخلاقی یکی از مؤلفه‌های مهمی است که وجهه مثبتی از چهره فرد یا حکومت نشان داده و منبع مهم تولید قدرت نرم به حساب می‌آید (نای، ۱۳۸۷ ب، ص ۷۵؛ ۶، ۶۳؛ بیکی، ۱۳۸۹، ص ۶۱) رعایت اخلاق در سیاست، منجر به جلب مقبولیت و اعتماد عمومی شده و قدرت نرم پایدار و گسترده‌ای تولید می‌کند و در واقع، «اهمیت ارزش‌های اخلاقی در قدرت نرم از آن جهت است که موجب نوعی همانندسازی عمیق با باورها و ارزش‌های مردمی شده و از این طریق بسترهای مناسب را برای جذب مردم و پذیرش داده‌های نظام سیاسی فراهم می‌آورد» (ناتینی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۷) از طرفی، «در ارزش‌های اخلاقی، جذب قلوب و افکار مشهود است، به طوری که ضمیر ناخودآگاه مخاطبان را مورد هدف قرار داده و با



لطافت و ظرافت غیر محسوسی بر لایه‌های عمیق اذهان تاثیر می‌گذارد و از این طریق زمینه جلب اعتماد و همراهی مردم را فراهم می‌سازد» (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷، ص ۲۲). با وجود اهمیت و نقش برجسته اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در قدرت نرم، از آنجا که دنیای سیاست، دنیای تضاد و تراحم منافع است، گاه بین سیاست و اخلاق تراحم ایجاد می‌شود؛ به طوری که تأمین منافع سیاسی در گرو نادیده گرفتن ارزش‌های اخلاقی است و گاهی دروغ و نقض پیمان، منفعت‌هایی را به همراه دارند و ارتکاب فریب، نیرنگ و همچنین تبلیغات دروغین، زمینه موفقیت سیاسی را فراهم می‌آورند و از همین رو، در نظریه قدرت نرم، در عین توجه به اخلاق - به عنوان منبع مهم تولید قدرت نرم - عمدتاً، تنها زمانی که ارزش‌های اخلاقی جاذبه‌ای برای وصول به اهداف سیاسی داشته باشند، به آن توجه می‌شود و اگر اموری بر خلاف آن (همچون فریب و اغوا)، هدف مورد نظر را تأمین کند، از آن بهره گرفته می‌شود و به همین دلیل، «گاهی فریب‌کاری بخشی از راهبرد بیان می‌شود» (نای، ۱۳۸۷، ص ۲۱۲) و گاه خدعه و اغواگری مؤثر انگاشته می‌شود تا جایی که «قدرت نرم، به توانایی اغوا و فریفتن نیز تعریف می‌شود» (جکونیز، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴؛ نای، ۱۳۸۷، ص ۷۲) و حتی بحث «دست‌های آلوده» (انجام کارهای غیر اخلاقی توسط رهبران برای پیشبرد منافع گروهی) مطرح می‌شود: «اگر تلاش برای موفقیت یک رهبر درست باشد، باید آلوده شدن دست هم درست باشد، یعنی رهبران - برای منافع گروهی - گاهی مجبور به کارهای می‌شوند که علاقه‌ای به آن ندارند» (نای، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰).

به عبارت دیگر، در نظریه قدرت نرم، اولویت و تقدم منافع سیاسی بر اخلاق و استفاده ابزاری از اخلاق برای تولید قدرت نرم - در راستای تحقق اهداف سیاسی - به چشم می‌خورد، در حالی که سیره و نگرش امام علی (ع) در این زمینه متفاوت است و اخلاق در نگاه و بینش سیاسی آن حضرت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله ضمن ترسیم تصویر روشنی از اخلاق در سیاست علوی، اصول و مبانی آن حضرت در این زمینه را استخراج و سپس اثبات می‌کند که نه تنها اخلاق در سیاست علوی، کارکرد بهتری در تولید قدرت نرم پایدار دارد، بلکه اشکالات نظریه اولیه قدرت نرم را ندارد.

### نوع نگاه و رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست

رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست، از نوع نگاه متفاوت آن حضرت به انسان و

قدرت سیاسی نشأت گرفته است. از آنجا که نگرش امام (ع) به پدیده‌ها، الهی و متعالی است، «توجه به امور روحانی در کنار امور جسمانی ضروری است و حتی جنبه روحانی مهم‌تر از جنبه جسمانی انگاشته می‌شود؛ به طوری که اگر روح به واسطه بی‌اخلاقی صدمه ببیند، آسیب آن جبران‌ناپذیر است» (نک: لکزایی، ۱۳۹۰، ص ۵) و از طرفی، صرف مؤلفه‌های مادی قدرت، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های الهی و آسمانی، مطلوب نیست و قدرتی که هدف اصلی آن کسب منافع مادی باشد و اخلاق و معنویت در آن جایگاهی نداشته باشد، پذیرفته نیست (کاظمی، ۱۳۶۹، ص ۱۷). امام علی (ع) به جایگاه اخلاق در حوزه سیاست و حکومت توجه ویژه داشتند و حتی از آن، در امر هدایت قدرت سیاسی و رشد معنوی مردم بهره می‌گرفتند. آن حضرت با سرمشق قرار دادن سیره پیامبر اکرم (ص)، پیوند عمیقی بین اخلاق و سیاست برقرار کردند و سیاست اصلی حکومت خویش را بر مبنای احیای ارزش‌های اخلاقی و دینی بنا نهادند» (علیخانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰؛ عیوضی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴) و به همین دلیل، افزون بر این که به شدت به اصول و ارزش‌های اخلاقی پایبند بودند، رعایت اخلاق در حوزه سیاست را بنیادی‌ترین اصل و نخستین شرط حکمرانی و سیاست می‌شمردند و هدف حکومت و تعیین‌کننده خط مشی جهت‌گیری‌های سیاسی می‌دانستند (پوراحمدی و جعفری‌پناه، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰).

در مکتب علوی، «سیاست و اخلاق در هم تنیده و رابطه آنها پیوسته است، بلکه حتی اخلاق به سیاست مشروعیت داده و رکن آن به حساب می‌آید و از همین رو، در مقام تزامن بین امور اخلاقی و منافع سیاسی، رعایت اخلاق مقدم است (لکزایی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵)؛ به گونه‌ای که در نگاه آن حضرت، آنچه به لحاظ اخلاقی نادرست باشد از لحاظ سیاسی نیز نادرست است. بر همین مبنای، امام علی (ع) ضمن تلاش مجدانه برای نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در جامعه به عنوان هدف حکومت، هیچ‌گاه از فریب، نیرنگ و وعده‌های دروغین، برای پیشبرد اهداف سیاسی و یا مهار مخالفان و مقابله با توطئه آنها بهره نگرفتند. مصادیق و مؤلفه‌های رعایت اخلاق در سیاست علوی، در سیره و شیوه حکمرانی امام علی (ع) آشکار و عیان است و نوع نگاه خاص آن حضرت را به خوبی نمایان می‌سازد.

### مصادیق رعایت اخلاق در سیاست علوی و نقش آن در تولید قدرت نرم

چنان که گفته شد، اصطلاح قدرت نرم در چند دهه اخیر وارد ادبیات سیاسی شده و این



اصطلاح در عصر امام علی (ع) مطرح نبوده ولی با توجه به تعریف قدرت نرم و مؤلفه‌ها و منابع شناخته شده آن در ادبیات سیاسی، می‌توان این نوع قدرت را در سیره و سخن امام علی (ع) مشاهده کرد. اخلاق‌گرایی و توجه به ارزش‌های اخلاقی یکی از منابع مهم تولید قدرت نرم است که در سیاست امام علی (ع) به وضوح و به وفور دیده می‌شود. امام علی (ع) به عنوان رهبری الهی و مربی عظیم اخلاقی، روش اخلاقی را در سیاست و حکومت در پیش گرفتند که علاوه بر ایجاد جاذبه برای پیروی مردم، به عنوان یک عامل سلبی، از شیوع بی‌اخلاقی در قدرت و سیاست جلوگیری کرده و همین امر باعث اعتباربخشی به مکتب علوی و ماندگاری این مکتب شد، همین معنای واقعی قدرت نرم علوی و جاذبه اخلاقی امام علی (ع) در تأثیرگذاری بر مردم و جذب آن‌هاست. ویژگی‌های اخلاقی همچون عدالت، صداقت، وفای به عهد، مدارا با مردم، حفظ عزت و کرامت انسانی، زهد و ساده‌زیستی و همچنین پرهیز از دروغ و فریب، استبداد رأی، جاه‌طلبی، تجمل‌گرایی و سوء استفاده از قدرت، بر جلب اعتماد و رضایتمندی مردم و مقبولیت سیاسی تأثیری بنیادی داشتند و زمینه‌ساز تولید قدرت نرم بوده‌اند که در ادامه، ضمن اشاره اجمالی به تأثیر برخی از این ویژگی‌های فردی در تولید قدرت نرم، مصادیق آن در اندیشه و سیره علوی بیان می‌شود.

## ۱. عدالت

عدالت، محوری‌ترین ویژگی اخلاقی حوزه سیاست و رکن نظام سیاسی است (مهاجرنیا، ۱۳۹۴، ص ۶۵)؛ اجرای عدالت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و آموزشی، سبب بهم پیوستگی مردم با حکومت می‌گردد و زمینه‌ساز ریشه‌کن شدن فساد، تبعیض، ویژه‌خواری و فقر و تنگدستی خواهد شد و همین امر، افزون بر آن که آرامش و امنیت را بر جامعه حکم فرما خواهد کرد، رضایت و اعتماد مردمی را افزایش داده و مایه تولید قدرت نرم خواهد شد (باقری‌چومکانی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۷). در سیره و اندیشه امام علی (ع) توجهی ویژه به عدالت شده است تا آن‌جا که در کلام آن حضرت، به عنوان هدف اصلی سیاست و حکومت و از عوامل اصلی مشروعیت آن معرفی شده است (نهج البلاغه، خطبه ۳ و خطبه ۱۵). امام علی (ع) اجرای عدالت را عامل ثبات و پایداری حکومت، و ظلم و ستمگری را مایه زوال و نابودی آن می‌داند (تمیمی‌امدی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۳۵۵) و در همین راستا - خطاب به مالک اشتر و به عنوان یک

دستورالعمل کلی، می نویسد: «همانا بهترین چشم‌روشنی حاکمان، بر پایی عدالت در شهرهاست» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و یا می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب رضایت مردم گسترده‌ترین باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). عدالت در همه ابعاد حکومت و سیاست امام علی (ع) جاری بود و از مصادیق برجسته آن می‌توان به تقسیم عادلانه بیت‌المال (نهج البلاغه، نامه ۴۳)، پرهیز از اعطای امتیازهای بی‌وجه (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۲)، قضاوت عادلانه، ممانعت از پیدایش و انباشت نامشروع ثروت در زندگی کارگزاران حکومتی (نهج البلاغه، نامه ۵۳ و ۳)، ممانعت از سوء استفاده مالی و بازگرداندن اموال غارت‌شده به بیت‌المال (نهج البلاغه، نامه ۱۵ و ۵۳)، مبارزه با انحصارطلبی و رانت‌خواری (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، رفع اختلاف طبقاتی و مبارزه با فقر و تنگدستی (نهج البلاغه، نامه ۵۳ و حکمت ۳۲۸)، اشاره کرد که همه این‌ها زمینه‌ساز پایداری و استحکام جامعه‌اند و مایه جلب رضایت توده‌های مردمی و اقتدار حاکمیت می‌شوند و بدین شیوه قدرت نرم ایجاد می‌شود.

حساسیت و جدیت امام علی (ع) در رعایت عدالت به حدی بود که حتی برای نزدیک‌ترین افراد خود نیز امتیاز ویژه‌ای قائل نمی‌شدند و یکی از نمونه‌های بارز آن، برخورد قاطع و عدالت‌طلبانه آن حضرت با عقیل است که از ایشان تقاضای ویژه‌ای برای برخورداری از بیت‌المال در راستای رفع احتیاجات خود، داشت (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴). همچنین شدت عمل آن حضرت، در برخورد با کارگزارانی که از بیت‌المال سوء استفاده می‌کردند، جلوه دیگری از عدالت علوی است که زمینه‌ساز قدرت نرم است؛ چنان‌که در نامه‌ای توییحی به یکی از کارگزاران، نسبت به سوء استفاده از بیت‌المال هشدار می‌دهد (نهج البلاغه، نامه ۴۱) و فرماندار یکی از شهرهای فارس را نیز به سبب عدم رعایت انصاف و عدالت در تقسیم غنائم، تخطئه و توییح می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۴۳).

## ۲. صداقت

رضایت مردم از حکومت مستلزم اعتماد است و البته، اعتماد مردم نیز محصول مشاهده صداقت و اعمال صادقانه کارگزاران و حاکمان است (نصوحیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶) و همین امر، صداقت را با قدرت نرم که بر مبنای رضایت و اعتماد عمومی شکل می‌گیرد، پیوند می‌دهد. صداقت، به معنای صدق و راستی در گفتار، کردار، اهداف و جهت‌گیری‌های سیاسی، و دوری از هر گونه دروغ، فریب، جعل واقعیت و کتمان حقایق است (اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹) که همه این ویژگی‌ها، علاوه بر ایجاد محبوبیت در بین مردم، موجب جلب اعتماد عمومی و نفوذ در قلب‌ها می‌شوند.



صداقت، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سیاست علوی است که نخستین و مهم‌ترین شرط حکومت‌داری شمرده می‌شود. امام علی (ع) در سخنان خود همواره بر رعایت صداقت تأکید داشته‌اند و آن را مایهٔ افزایش قدر و منزلت (تمیمی‌آمدی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۹۶، ۳۷۳)، عامل صلاح و اصلاح (تمیمی‌آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۸۱) و تأثیرگذار در جلب محبت و اعتماد مردمی (تمیمی‌آمدی، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۴۸۰) می‌دانستند که همگی از عوامل مهم و مؤثر در تولید قدرت نرم‌اند. صداقت در همهٔ ابعاد شخصیتی - چه فردی و چه اجتماعی / سیاسی - امام علی (ع) جلوه و نمودی ویژه داشته است، تا آنجا که هیچ دروغی و بلکه هیچ سخن خلاف واقعی بر زبان آن حضرت جاری نشد (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۵ و خطبه ۱۷۵) و این صداقت مثال‌زدنی در گفتار و رفتار، افزون بر ارائهٔ الگویی عملی برای حکومت بر مردم، مایهٔ افزایش و تعمیق اعتماد و رضایت مردم و شکل گرفتن مقبولیت اجتماعی و نفوذ حاکمیت و تولید قدرت نرم گردید.

وفای به عهد، یکی دیگر از مصادیق صدق در عمل است که امام علی (ع) آن را محکم‌ترین سپهر معرفی کرده و فرمودند: «وفا توأم با صدق است و من سپری بازدارنده‌تر از وفای به عهد، سراغ ندارم» (نهج البلاغه، خطبه ۴۱). شایان ذکر است که وفای به عهد - به ویژه از سوی حاکمان و کارگزاران حکومت - از عوامل مهم افزایش اعتماد عمومی است و از همین رو، در کلام آن حضرت، «سپهر محکم» معرفی شده است؛ زیرا وفای به عهد، مایه و منشاء تعاون و همکاری اجتماعی و بسترساز افزایش انسجام اجتماعی است (ابن ابی‌الحدید، نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۵۸) و همین موضوع، آن را با قدرت نرم پیوند می‌دهد. در همین راستا، امام علی (ع) التفات و توجهی ویژه به وفای عهد و پایبندی به تعهدات داشتند و پایبندی به عهد و پیمان‌ها - به طور مطلق و در هر شرایطی، حتی به هنگام بروز مشکلات و به خطر افتادن منافع - را ضروری می‌شمردند؛ چنان‌که در نامه به مالک اشتر، فرمودند:

اگر میان خود و دشمن پیمان بستی و امانش دادی، به عهد خود وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش، و جان خود را سپهر پیمان خود گردان؛ زیرا هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همهٔ مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند (نهج البلاغه، نامهٔ ۵۳).

چنان‌که از بیان صریح امام علی (ع) پیداست، ایشان حتی نقض پیمانی که با دشمن بسته شده را نیز مجاز نمی‌شمردند و به طور عام، هر گونه خیانت، فریب، تدلیس و گریز از تعهد در تنگناها و نقض و نسخ نابحق عهد و پیمان را جایز ندانسته و می‌فرمودند: «هرگز پیمان‌شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا چنین روا نمی‌دارد



... فساد، تدلیس، خدعه و نیرنگ هیچ‌کدام در عهد و پیمان روا نیست» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

پایبندی به عهد و پیمان، در سیره عملی امام (ع) بارها و به وفور دیده می‌شود که نمونه بارز آن وفای به عهد در سخت‌ترین شرایط سیاسی، یعنی در جریان جنگ صفین است که آن حضرت به رغم اصرار و پافشاری یارانش بر نقض پیمان، بر عهد خود با معاویه پایبند ماندند. بنا بر صلح‌نامه‌ای که به اصرار یاران امام با سپاه معاویه منعقد شد، جنگ متوقف شد و تعیین سرنوشت مسلمانان به دو حکم واگذار گردید (طبری، ۱۹۸۹، ج ۳، ص ۱۰۳)، اما پس از انعقاد پیمان صلح، گروهی از یاران و سپاهیان حضرت - به رغم اصرار اولیّه بر پذیرش حکمیت - با سر دادن شعار «لا حکم الا لله»، خواستار نقض پیمان و ادامه جنگ شدند، اما امام علی (ع) نقض پیمان را جایز ندانستند (ابن‌مزامح، ۱۴۰۴، ص ۵۱۳-۵۱۴؛ البلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۲-۱۱۴؛ طبری، ۱۹۸۹، ج ۵، ص ۶۳-۷۸). و به رغم خدعه‌ها و دسیسه‌های بسیار معاویه، از اصول و ارزش‌های اخلاقی عدول نکردند و بر پیمان خود وفادار ماندند که گواه و نشانه‌ای است بارز بر صدق عملی امام علی (ع) که زمینه‌ساز جلب اعتماد عمومی و تولید قدرت نرم است.



### ۳. مدارا با مردم

مدارا با مردم، از جمله فضایل اخلاقی است که زمینه نفوذ در قلب‌ها و جلب حمایت توده‌ها را فراهم می‌کند و همین موضوع، این ویژگی را به قدرت نرم پیوند می‌دهد. مدارا، در منظومه فکری و سیره عملی امیرالمؤمنین (ع)، اصلی‌ترین مبنایی در روش حکومت‌داری و اساس سیاست و حکومت شمرده می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۹، ص ۳۷۱)؛ چنان‌که به فرموده آن حضرت، «رأس سیاست به کاربردن رفق و مداراست» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۷۲) و «هر که با ملایمت و مدارا عمل کند، موفق می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۵۸). امام علی (ع) با حسن معاشرت و مدارا با خلق خدا، زمینه محبت و جذب حداکثری را فراهم می‌آوردند و مانع بروز درگیری، خشونت و خونریزی می‌شدند و با گفت‌وگو و مذاکره، زمینه اقتناع و متقاعدسازی را فراهم آورده و مشکلات و مسائل را به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز حل می‌کردند و البته، این امر نیز نمودی از قدرت نرم علوی و جلب همراهی مردم، بدون اعمال زور و تهدید است. مصادیق مدارا در سیره علوی فراوان است، از نمونه‌های بارز آن، برخورد کریمانه ایشان با اصحاب جمل است که به رغم تلاش و اصرار آنها بر برپایی جنگ، حضرت، صبر و مدارا پیشه نمودند و با ارسال نامه، گفت‌وگو و مذاکره، مانع از بروز درگیری و خونریزی شدند و جنگ را تا آن‌جا که ممکن و میسر بود، به

تأخیر انداختند (شیخ مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۶۷-۱۷۳؛ دینوری، ۱۳۳۰، ص ۱۴۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۶) و حتی پس از تصرف بصره - که اکثر مردم آن به جنگ با آن حضرت برخاسته بودند - از سر مدارا، اعلام عفو عمومی کردند (مسعودی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۷۷) و والیان و کارگزاران بصره را نیز به مدارا با مردم فراخواندند (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۱۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷؛ نهج البلاغه، نامه ۱۸). شیوه برخورد امام علی (ع) با سپاه معاویه نیز نمود و نمونه دیگری از مدارای علوی است، که آن حضرت - به رغم اقدامات خصمانه معاویه و تلاش برای ایجاد درگیری و خونریزی - با نامه‌نگاری‌های متعدد (نهج البلاغه، نامه‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰)، ارسال سفیران، و گفت‌وگوهای چند جانبه در راستای هدایت و اقناع معاویه و سپاهیان و جلوگیری از وقوع جنگ و کشتار مسلمانان کوشیدند و بر این شیوه چنان مصر و مصمم بودند که برخی به این روش حضرت خُرده گرفته و آن را مسامحه در جنگ خواندند و امام (ع) در پاسخ به آنان خطبه‌ای ایراد کردند و جذب حداکثری و هدایت مخالفان و پرهیز از کشتار و خونریزی را هدف اصلی خود بیان داشتند (نهج البلاغه، خطبه ۵۵) که همین معنای واقعی قدرت نرم علوی است.

همچنین مدارا با خوارج متعصب و تندرو و دادن اجازه به آنان برای برپایی اردوگاه در حرورا و مراعات حقوق اجتماعی آنها، به رغم انتقادات و پیمان‌شکنی‌های بسیار (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۲؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۳۴) و ارسال سفیران متعدد، و مناظره و گفت‌وگوی بسیار با خوارج - پیش از وقوع جنگ نهروان (ابن‌عساکر، ۱۴۰۷، ص ۳۵۵، ج ۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۳) از دیگر مصادیق بارز مدارا و قدرت نرم علوی است که زمینه جذب حداکثری مخالفان را فراهم کرد و سبب شد تا بسیاری از خوارج متحول شوند و رویکردهای خود عدول کنند (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن‌اعثم الكوفی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۲۲).<sup>۲</sup>

#### ۴. عطوفت و مهرورزی

عطوفت و مهرورزی حاکمان و زمامداران، علاوه بر این‌که باعث ایجاد محبت در دل مردم

۱. همچنین، نک: ابن‌عبره، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۵۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ص ۱۷۷؛ دینوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۷؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۲۲؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۹؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۳.  
 ۲. چنان‌که بنا به برخی نقل‌ها، در جریان مناظره امیرالمؤمنین (ع) با سران خوارج، شش هزار نفر از آنها بازگشتند و از صف خوارج جدا شدند (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۵۴).

می‌شود و موقعیت زمامداران را تثبیت می‌کند، شکاف میان حاکم و مردم را از بین برده و انسجام‌بخش و وحدت‌آفرین خواهد بود و از همین رو، زمینه‌ساز استحکام پایه‌های حکومت و نشانه قدرت نرم یک حکومت است (باقری‌چومکانی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۳؛ مهاجرنیا، ۱۳۹۴، ص ۶۸). سیره عملی امیرالمؤمنین (ع) و همچنین توصیه‌های فراوان ایشان به برخورد مهربانانه با مردم، مصداقی از قدرت نرم علوی است. آن حضرت، افزون بر توصیه و ترغیب زمامداران به مهرورزی و محبت با مردم، خود نیز در آشکار و نهان پیگیر مشکلات و دغدغه‌مند حال مردم و به ویژه یتیمان و مساکین بودند و در همین باره به مالک اشتر، فرمودند:

قلب خود را سرشار از محبت به مردم کن و نسبت به آنان همچون حیوان درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری... از آنها خطاها سرزده و لغزش‌هایی به عمد یا خطا صادر خواهد شد. پس، عفو و بخشایش خود را نصیب آنان کن؛ همان‌گونه که دوست داری خداوند تو را مشمول عفو و بخشایش خود کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی (ع) در نامه به محمد بن ابی بکر نیز او را به برخورد نرم با مردم توصیه کرده و می‌فرماید:

در برخورد با مردم، فروتن باش و با آنها به نرمی و مهربانی رفتار کن. گشاده‌رو باش و در نگاه کردن به گوشه چشم و خیره شدن، برابر باش تا بزرگان در ستمگری تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مأیوس نشوند (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

آن حضرت، افزون بر فراخواندن به توجه ویژه به طبقه فرودست جامعه و برآوردن نیازهای آنها، والیان و کارگزارانی که به نیاز و مشکلات مردم بی‌توجه بودند را نکوهش و توبیخ می‌کردند و برای نمونه، به ابن عباس فرمودند: «به من خبر رسیده که تو نسبت به بنی تمیم، تکبر می‌ورزی و چونان پلنگ، درشتی می‌کنی... قدری نرمی پیشه کن» (خویی، ۱۳۵۸، ج ۱۸، ص ۳۰۹) و همچنین در پی سخت‌گیری‌های بی‌مورد عمر بن ابی سلمه ارحبی - والی بحرین در آن دوره - نسبت به بی‌توجهی به مردم و بی‌اعتنایی به نیازهای آنها، به او تذکر می‌دهند و می‌فرمایند:

کدخدایان منطقه تحت مسئولیت تو، از درشتی، سخت‌گیری، تحقیر کردن و بی‌اعتنایی تو به من شکایت کرده‌اند، من درباره این جماعت بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که آنان صلاحیت ندارند که به دستگاه خلافت نزدیک شوند... در برخورد با آنان در جامه‌ای ظاهر شو که تارش از ملایمت و پودش از قاطعیت باشد. سختی و مهربانی را بریشان در هم آمیز و به‌گونه‌ای با آنان رفتار کن که نه از تو دور شوند و نه خیلی نزدیک گردند (خویی، ۱۳۵۸، ج ۱۸، ص ۳۰۹).



## ۵. حفظ عزت و کرامت انسانی

تکریم انسان‌ها، یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی است که به جلب محبت مردم با هر فرهنگ و عقیده‌ای خواهد انجامید؛ در نوع نگرش امام علی (ع) به انسان و توده مردم، نوع رفتارها، رهنمودها و موضع‌گیری‌های حضرت و نوع تبیین وظایف و بیان ویژگی‌های کارگزاران حکومتی، جلوه‌های توجه به کرامت انسانی نمودار بوده است و جلوه‌های خاص و برجسته آن را در تلاش آن حضرت برای تربیت و تعالی انسان‌ها (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)، رفع ظلم و برقراری عدالت (نهج البلاغه، خطبه ۳)، رفع فقر و تنگدستی (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، جلوگیری از جنگ و خونریزی (نهج البلاغه، نامه ۱۴) می‌توان سرخ گرفت. امام علی (ع) حتی در سخت‌ترین شرایط سیاسی همچون جنگ و درگیری نیز از حفظ عزت و کرامت انسانی غفلت نمی‌ورزیدند و توصیه‌های ایشان به سپاهیان - در جریان جنگ‌های جمل، صفین و نهروان - و تأکید بر حفظ حقوق و کرامت انسانی معرووحان و زنان، نمونه‌هایی از آن است؛ چنان که در آغاز جنگ صفین فرمودند:

هرگاه، به اذن خدا، روی به هزیمت نهادند، کسی را که پشت کرده و می‌گریزد، مکشید و آن را که از پای افتاده، آسیب مرسانید و مجروح را زخم مزینید و زنان را مبارزید و آنان را به خشم می‌آوردید؛ هرچند آبروی شما بریزند و امیرانتان را دشنام دهند (نهج البلاغه، نامه ۱۴).

امام علی (ع) بر خلاف رویه‌های متداول نظامی و رویکرد سیاستمداران، حتی از تضعیف و تخریب دشمن با اعمال فشارهای روانی خودداری می‌کردند و بر حفظ کرامت انسان‌ها تأکید داشتند؛ چنان که در جنگ صفین، با این که دشمنان - برای تخریب و جهت سپاه امام (ع) - بدگویی و ناسزاگویی پیشه کرده بودند، آن حضرت، یاران خود را از ناسزاگویی و اهانت به دشمنانشان بر حذر داشتند (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶). همه از این رویه و رویکرد اخلاقی آگاه بودند و حتی دشمنان نیز اذعان داشتند که امام (ع) هیچ‌گاه از مسیر اخلاق عدول نخواهد کرد و برای نمونه، در هنگام تصرف شریعه توسط سپاه امام (ع)، عمروعاص در پاسخ معاویه در خصوص نگرانی از بستن آب توسط حضرت، گفت: «کاری که تو با علی و همراهانش روا شمردی علی با تو و یارانت روا نمی‌شمارد» (ابن‌مزامح، ۱۴۰۴، ص ۱۸۶؛ دینوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۶). تکریم انسان‌ها به هنگام اخذ حقوق الهی و اجرای فرامین دینی، یکی دیگر از مصادیق قدرت نرم علوی است؛ چنان که آن حضرت همواره کارگزاران جمع‌آوری زکات را به تکریم و رعایت حقوق مردم، رعایت



انصاف و ادب به هنگام اخذ زکات، و عدم اجبار و تهدید و ترساندن آنها توصیه می‌کردند و از ورود بی‌اجازه به ملک شخصی افراد نهی می‌فرمودند (نهج البلاغه، نامه ۲۵).

## ۶. زهد و ساده‌زیستی

ساده‌زیستی یکی از ویژگی‌های اخلاقی است که کارکردهای بنیادین و ریشه‌ای در اعتمادآفرینی و افزایش مقبولیت و به تبع آن، تولید قدرت نرم دارد (باقری چومکانی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۷) و همچنین، زمامداران را به بیت‌المال و منافع ملت حساس‌تر کرده و مانع بروز فساد می‌شود و چنان‌که گفته‌اند: «راز موفقیت بسیاری از رهبران جهان در طول تاریخ، به دست‌آوردن قلوب مردم با بی‌پیرایگی و ساده‌زیستی است» (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). امام علی (ع) به تأثیرگذاری رفتار زمامداران بر مردم عنایت خاص داشتند و به همین دلیل، زهد و ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی و دنیاخواهی را بر زمامداران واجب می‌دانستند و آن را عامل و علامت سلامت و استحکام جامعه برمی‌شمردند و در همین راستا می‌فرمودند: «خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همانند کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به ورطه طغیان نکشانند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹). امام علی (ع)، نمونه‌ عینی و الگوی عملی ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی بودند و فرمودند:

سوگند به خدا من از دنیای شما طلا و نقره‌ای نیندوخته، و از غنیمت‌های آن چیزی ذخیره نکرده‌ام، بر دو جامه کهنه‌ام جامه‌ای نیفزودم، و از زمین دنیا حتی یک وجب در اختیار نگرفتم و دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

و با تأکید بر لزوم ساده‌زیستی زمامداران و همراهی با مردم در تلخی‌ها و تنگناها، فرمودند:

من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم؛ هیبهات که هوای نفس بر من چیره گردد .... آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

بی‌شک، فاصله‌گرفتن کارگزاران از مردم و عدول از رویه ساده‌زیستی و خو کردن به رفاه و تجمل‌گرایی، به تدریج موجبات دلزدگی و اِدبار مردم از حکومت را فراهم می‌آورد و حاکمیت را



از پشتوانه مردمی محروم و حکومت را آسیب‌پذیر خواهد ساخت و مایه کاهش وزودن قدرت نرم می‌شود (باقری‌چومکانی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۸). از همین رو، امام علی (ع) ضمن بیان و بازگویی حقیقت دنیا و آفات دنیا طلبی، به نکوهش دنیا زدگان و به ویژه کارگزارانی می‌پرداخت که به اشرافی‌گری روی آورده بودند؛ نامه ملامت‌آمیز آن حضرت به شریح ابن حارث قاضی که خانه‌ای اشرافی و به بهای گزاف خریده بود (نهج البلاغه، نامه ۳) و همچنین نامه ایشان به عثمان بن حنیف - فرماندار بصره - و توصیه و تأکید بر ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی از این نمونه به شمار می‌آیند (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

### اصول و مبانی امام علی (ع) در حوزه اخلاق سیاسی و کارکرد آن در تولید قدرت نرم

هدف و کارکرد اصلی قدرت نرم، تأثیرگذاری بر مردم و جذب قلوب آن‌ها بدون توسل به خشونت و بهره‌گیری از ترس تهدید، برای جلب مشارکت آنها در قدرت، به منظور استحکام حاکمیت است؛ بررسی مصادیق رعایت اخلاق در حکومت و سیاست امیرالمؤمنین (ع)، علاوه بر این که قدرت نرم علوی در حوزه اخلاق را نمایان می‌سازد، اثبات می‌کند که حضرت در این زمینه کاملاً به اصول و مبانی پایبند بودند. این امر باعث نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه، ممانعت از فساد قدرت و سیاست، افزایش تأثیرگذاری زمامداران بر مردم، ایجاد زمینه تکامل اخلاقی و معنوی سیاستمداران و کارگزاران، تحقق اهداف الهی و تعالی انسانی، تعالی فرهنگی جامعه و تأثیرگذاری آن در تحکیم پایه‌های قدرت و حاکمیت شده و علاوه بر افزایش کارایی و کارآمدی توأمان اخلاق و سیاست، باعث تولید قدرت نرم پایدار شده و اهداف این نوع قدرت را محقق می‌سازد؛ در اینجا، به اجمال، به آسیب‌شناسی رویکرد به اخلاق در نظریه قدرت نرم می‌پردازیم.

#### ۱. اصالت اخلاق و عدم استفاده ابزاری از آن

در نگرش امیرالمؤمنین (ع)، موضوع قدرت، ماهیت، منابع و روش تحصیل آن الهی است و بر اساس اصول بنیادین و اهداف ثابت حکومت اسلامی تعریف می‌شود؛ به طوری که قدرت و سلطه سیاسی، فی‌نفسه اصالت ندارد (نهج البلاغه، خطبه ۵، ۳، ۳۳، ۱۵) و به واقع، سلطه و قدرت از آن خداوند متعال است و به صورت اعتباری در دست بشر قرار گرفته و زمانی ارزش دارد که در خدمت اهداف الهی و سعادت دنیوی و آخروی مردم قرارگیرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶، ۱۳۱).

بر همین اساس، اخلاق - در سیره و نگرش علوی - در راستای جلب رضای الهی و تعالی انسانی مورد توجه بوده (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و هیچ‌گاه از ابزار غیر خلاقیتی برای وصول به قدرت و دست‌یابی به اهداف سیاسی بهره نگرفتند. به بیان دیگر، اگر چه آن حضرت می‌توانستند با بخشش‌های مالی بیجا و باطل، تبعیض و ارائه امتیازات بی‌وجه به اقوام و قبایل، گروه‌های صاحب نفوذ و سردمداران زور و ثروت را جذب و با حکومت خود همسو کنند، اما هیچ‌گاه از این حرب‌ها و شیوه‌ها بهره نگرفتند؛ چرا که بکارگیری این شیوه‌ها و روش‌ها را با اهداف و مبانی فکری اسلامی در تضاد و تقابل می‌دیدند و حتی به قیمت از دست‌دادن اصل قدرت و حکومت، حاضر نبودند از این روش‌ها استفاده کنند و در همین راستا، و با اهتمام ویژه به جایگاه اخلاق در حوزه سیاست، درخواست طلحه و زبیر را برای بهره‌مندی بیشتر از بیت‌المال نپذیرفتند با آن که می‌دانستند این عدم پذیرش به کناره‌گیری و گرویدن آنها به صفوف معاندان و دشمنان خواهد انجامید (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۹). بر اساس همین نگاه و مبنا، حاضر به قبول شرط ولید بن عقبه برای بیعت - مبنی بر عدم استرداد اموال نامشروع - نشدند (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۳۲؛ خویی، ۱۳۵۸، ج ۱۹، ص ۱۳). همچنین به رغم اهمیت تداوم حمایت قبیله بنی‌اسد، با درخواست آنها برای عدم اجرای حدّ یکی از افراد قبیله موافقت نکردند و به بهای جلب حمایت قبیله بنی‌اسد، عدالت و اخلاق را نادیده نینگاشتند (قاضی‌نعمان، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۴۳). در همین راستا، و با دغدغه‌مندی نسبت به احقاق حقوق و اجرای حدود الهی، به رغم توصیه‌های بسیار برخی از اصحاب، از اجرای حدّ نجاشی - یکی از شاعران و مدیحه‌سرایان جنگ صفین - به جهت ادامه حضور و تأثیرگذاری بر اردوگاه اسلام، صرف‌نظر نکردند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۱۴) و در پاسخ به یاران نزدیک خود - که از بیم پیوستن اشراف سرمایه‌دار به معاویه - از آن حضرت می‌خواستند تا به این دسته از اشراف، اموال و امتیازاتی اعطا کند، فرمودند:

مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم با ستم کردن به کسانی که بر آنها ولایت دارم؟  
 به خدا سوگند، چنین نکنم تا شب و روز از پی هم می‌آیند و در آسمان ستاره‌ای از پس  
 ستاره دیگر طلوع می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

در نظریه قدرت نرم به تقریر فیلسوفان غربی، «مفهوم قدرت به تبع ماهیت اومانیستی آن، صبغه کمی و مادی داشته و غایت و موضوع اصلی سیاست، وصول به قدرت و منافع مادی و لذات دنیوی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸) و رعایت اخلاق فی نفسه مهم و مورد توجه نیست و تسری اخلاق به حوزه سیاست به عنوان یک اصل مطرح نیست، بلکه «اتصاف به اخلاق صرفاً به



عنوان ابزاری برای جذب دیگران و در راستای افزایش قدرت است» (نای، ۱۳۸۷، ص ۷۵؛ یاسی، ۱۳۸۸، ص ۶۳) اخلاق، بر این مبنا، تابع منافع سیاسی است و نگاهی سودگرایانه و ابزاری به اخلاق، در راستای جلب منافع سیاسی، حاکم است و همین امر، از کارآیی اخلاق در سیاست کاسته و مانع تأثیرگذاری آن بر مردم می‌شود و به تبع آن، اهداف قدرت نرم را در اثرگذاری بر مردم و جلب همراهی آنها، محقق نمی‌سازد و این با مفهوم اولیّه و اهداف نظریهٔ قدرت نرم در تضاد است.

## ۲. ثبات ارزش‌های اخلاقی و انعطاف‌ناپذیری آن حتی در حادترین شرایط سیاسی

جهان‌بینی و نگرش علوی برگرفته از معارف ناب الهی است و ارزش‌ها و معیارها بر اساس معیارها و معارف وحیانی مشخص می‌شوند و از همین رو، ارزش‌ها، واقعی، مطلق و دارای ثبات هستند (زرشناس، ۱۳۷۸، ص ۹) و همین امر قدرت نرم پایداری تولید می‌کند؛ زیرا قدرتی که متکی بر بنیان‌های ایمانی و ارزش‌های الهی باشد، قدرتی مستحکم و پایدار است (رهپیک، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳). در همین راستا، در سیره و نگرش علوی، ارزش‌های اخلاقی مطلق‌اند و رعایت اخلاق در همه حال، وظیفهٔ دولتمردان و کارگزاران حکومتی است؛ به‌ویژه به سبب تأثیرگذاری بر مردم، (نهج البلاغه، نامهٔ ۴۶، ۲۷، ۳۱، ۵۳ و خطبه ۹۲).

از سوی دیگر، نگاه اعتباری امام علی (ع) به قدرت و استفادهٔ ابزاری از آن در راستای تحقق اهداف الهی و تعالی انسانی (نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۵)، باعث می‌شود، امام علی (ع) حتی در حادترین شرایط سیاسی نیز، از ارزش‌های اخلاقی عدول نکند و به دروغ و نیرنگ متوسل نشود که نمونهٔ بارز این نگاه و نگرش را در نحوهٔ برخورد ایشان در جریان تشکیل شورای شش نفره و تعیین خلیفه سوم، به خوبی می‌توان دید؛ زمانی که شروط عمل بر طبق قرآن، سنت رسول الله (ص) و سیره شیخین مطرح شد و آن حضرت شرط عمل بر طبق سنت و سیره شیخین را نپذیرفت (یعقوبی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۳)، درحالی که می‌توانستند به ظاهر و از سر فریبکاری این شرط را بپذیرند و قدرت را به‌دست آورند و پس از رسیدن به خلافت، به سیره شیخین عمل نکنند، اما ایشان در اولین قدم سیاست، اخلاق را بر قدرت و حکومت مقدم داشته و حتی به قیمت از دست دادن خلافت، بر مرام صداقت استوار ماندند. این روش حضرت در مواجهه با مخالفان نیز دیده می‌شود، چنان‌که به رغم دغل‌کاری و دشمنی‌های معاویه، پیشنهاد مصرانهٔ ابن‌عباس و مغیره بن شعبه، مبنی بر نصب موقت معاویه و بهره‌گیری از آن نفوذ وی برای اخذ بیعت از مردم شام و برکناری او در زمان مقتضی (طبری، ۱۹۸۹، ص ۴۵۹) را نپذیرفتند و فرمودند:



«من هرگز در دین خود، دورویی و مکر نمی‌کنم و دناوت و پستی را دستمایه قرار نمی‌دهم» (طبری، ۱۹۸۹، ص ۴۶۰). روشن است که حتی اگر در این شرایط حساس، امام (ع) می‌توانست با وعده دروغین به معاویه، از مردم شام بیعت بگیرد و حتی از وقوع جنگ صفین ممانعت کند، ولی این امر موقتی بود و بعد از آشکار شدن حقیقت، محبوبیت امام (ع) از بین می‌رفت، و به تبع آن، مقبولیت حکومت تحت تأثیر قرار می‌گرفت و قدرت نرم کاهش می‌یافت و از همین رو، امام (ع) از روش معاویه در بکارگیری نیرنگ و فریب، برائت جسته و فرمودند:

به خداوند سوگند، معاویه از من زیرک‌تر نیست، اما او نیرنگ می‌زند و خیانت می‌کند، و خود را به گناه می‌آلاید، و اگر نیرنگ و خیانت زشت نبود، من زیرک‌ترین مردم بودم، لیکن هر نیرنگی گناهی است، و هر گناهی نافرمانی خداوند است (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰).

البته، در نظریه قدرت نرم که برآمده از انگاره‌های لیبرالیستی و انسان‌محور است، رویه حاکمان و سیاستمداران در رعایت ارزش‌های اخلاقی متفاوت با مردم لحاظ می‌شود و آنان حتی مجاز به کارهای غیراخلاقی برای دست‌یابی به اهداف سیاسی هستند و از همین رو، با این که توسل به مکر و فریب همواره و برای همگان غیر اخلاقی است، برای سیاستمداران و به قصد نیل به منافع و اهداف سیاسی مجاز و موجه شمرده می‌شود (نای، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰؛ جکونیز، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰) و البته، این رویکرد نسبی‌گرایانه و سلیقه‌ای بودن ارزش‌ها، افزون بر آن که مانعی در مسیر تولید قدرت نرم است، نشانگر این نکته نیز هست که این نظریه در تبیین نقش و کارکرد اخلاق در تولید قدرت نرم، با تناقض روبروست؛ زیرا از یک‌سو، ارزش‌های اخلاقی را به عنوان منبع مهم قدرت نرم در راستای اعتمادسازی مطرح می‌کند و از سوی دیگر، توسل به برخی امور غیر اخلاقی همچون نیرنگ و فریبکاری را برای رسیدن به اهداف سیاسی مجاز می‌داند. و البته نباید از نظر دور داشت که نمی‌توان از مردم انتظار صداقت و پابندی به اصول اخلاقی و قوانین داشت، و در همان حال توقع داشت که بی‌صداقتی حاکمان را تحمّل کنند و بی‌شک، فریفتن مردم برای همیشه شدنی نیست و حقیقت، روزی آشکار خواهد شد و مردم از حاکمان دروغ‌گو و فریبکار منزجر می‌شوند و همین امر زمینه‌ساز سقوط و فروپاشی نظام سیاسی خواهد شد.

### ۳. کنترل و مهار قدرت توسط اخلاق

یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی در سیره و سیاست علوی که آن را از دیگر نظریه‌ها و روش‌های



سیاسی متمایز می‌سازد، رعایت تقوای الهی است که «منجر به مهار درونی قدرت و ممانعت از سوء استفاده و وابستگی به آن می‌شود و یگانه راه حل اساسی پیشگیری از بروز مفاسد، تلقی می‌شود (نک: مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۷). تقوا عاملی بازدارنده است که جامعه سیاسی را از فساد، ابتذال، بی‌عدالتی، ستمگری، ظلم‌پذیری، وطن‌فروشی، تسلیم و انفعال در برابر دشمن بازداشته و مانع آسیب‌زایی و تهدیدسازی قدرت می‌شود، و همین امر بسترساز ایجاد امنیت، اعتماد اجتماعی، استحکام قدرت و بقای جامعه است و قدرت نرم را افزایش می‌دهد (باقی‌چومکانی و حسینی، ۱۳۹۴، ص ۲۸). از سوی دیگر، بی‌تقوایی کارگزاران و زمامداران و از جمله مسئولیت‌گریزی، بی‌صدافتی و اشرافی‌گری آنها به بی‌اعتمادی عمومی و واگرایی اجتماعی خواهد انجامید و پایه‌های قدرت را سست و نظام سیاسی را در برابر کوچکترین فشاری متزلزل می‌کند (نبوی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۶-۳۸۷) و به همین دلیل، امام علی (ع) به رعایت تقوا توجه ویژه داشتند، تا آنجا که آن را «رئیس اخلاق» معرفی فرمودند (حکمت/۴۱۰). تقوا، در نگاه آن حضرت، سرلوحه همه برنامه‌ها و از جمله سیاست‌مداری، جنگاوری، قضاوت و داوری و جمع‌آوری مالیات و زکات (نهج البلاغه، نامه ۲۵، ۲۷، ۵۳)، معرفی شده و بر همین اساس، ضمن تأکید بر لزوم تزکیه و تهذیب نفس، سیاستمداران را به حاضر و ناظر دانستن خداوند بر اعمال و کردار خود، فرا می‌خواندند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). توصیه‌های موکّد امام علی (ع) به کارگزاران برای رعایت تقوا، اهمیت و تأثیر مستقیم در افزایش قدرت و مهار آن را نشان می‌دهد؛ چنان‌که مترتب شدن خروج از بن بست‌ها و برون‌رفت از فتنه‌ها بر تقوا (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱، ۱۸۳) و تأثیر تقوا در کاربرد حق‌مدارانه از این نمونه‌هایند. در حالی که در نظریه قدرت نرم، نه تنها چنین عامل بازدارنده و کنترلی دیده نمی‌شود، بلکه از آنجا که هدف اصلی دستیابی به قدرت و منفعت است، از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف استفاده می‌شود و به عبارتی، بر انگاره توجیه و وسیله توسط هدف، تأکید می‌شود؛ به طوری که در مسیر دست‌یابی به اهداف سیاسی، حتی چپاول و استثمار دیگران نیز مجاز شمرده می‌شود که البته، این استثمار و توسل به رفتارهای ظالمانه، در نهایت، انزجار مردم و قیام آنها را در پی خواهد داشت و حتی به فروپاشی نظام سیاسی منجر می‌شود و این امر کاملاً ناسازگار با اهداف قدرت نرم است.

#### ۴. همبستگی و پیوستگی اخلاق و سیاست

چنان‌که در بیان رویکرد امام علی (ع) به خلاق در حوزه سیاست گفته شد، اخلاق و سیاست به هم پیوسته و لازم و ملزوم یکدیگرند (نک: علیخانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰) و سیره امام علی (ع) و

توصیه‌های موکد ایشان نشان می‌دهد که سیاست مبتنی و متأثر از اخلاق بوده و اخلاق نیز معطوف به سیاست و موثر در آن، بلکه محور، مبنا، غایت و تعیین‌کننده است و اخلاق از بنیادین‌ترین و جزئی‌ترین مراتب آن تا کلی‌ترین و فراگیرترین وجوه، معطوف به سیاست بوده و در آن بازتاب دارد (نک: نهج البلاغه، خطبه ۳، ۱۵، ۱۷۵؛ نامه ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۵، ۵۳). همبستگی و پیوستگی سیاست با اخلاق، سیاست متعالی مثبت، سازنده و استوار را به همراه دارد، زیرا ترویج اخلاق متعالی در سیاست، سیاست متعالی را به دنبال داشته و سیاست متعالی، تعالی اخلاقی را به همراه دارد (صدر، ۱۳۸۳، ص ۱۶) و همین امر، باعث کارآیی توأمان اخلاق و سیاست شده و به انسان‌سازی و جامعه‌سازی منجر می‌شود و زمینه‌ساز تقویت و استحکام حکومت شده و از این طریق قدرت نرم تولید می‌کند. در حالی که گوهره اصلی قدرت نرم در نگاه و نگرش غربی، تباین میان قواعد اخلاقی و الزامات سیاسی و در نظر گرفتن منافع سیاسی است که نتیجه آن دست شستن از پاره‌ای اصول اخلاقی است (نک: نای، ۱۳۸۷، ص ۲۲۰؛ جکویتز، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰) و همین امر، سیاست نامتعالی و منفی را به همراه دارد؛ زیرا تسلط و ترویج اخلاق نامتعالی در سیاست، تحقق سیاست نامتعالی را نتیجه می‌دهد؛ چنان که ترویج اخلاق مادی‌گرایانه و سلطه‌جویانه، سیاست استبدادی و سیطره‌جویانه را به دنبال دارد (صدر، ۱۳۸۳، ص ۱۷) و همین امر، زمینه‌های سقوط و فروپاشی نظام سیاسی را فراهم ساخته و با اهداف اصلی قدرت نرم، کاملاً در تضاد است.

### نتیجه‌گیری

قدرت نرم بر جنبه‌های نرم‌افزاری قدرت در راستای جذب مردم و پیشبرد اهداف حکومت تأکید می‌کند و ارزش‌های اخلاق به دلیل تأثیرگذاری بر جلب مردم و نفوذ در قلب‌ها، به عنوان یکی از منابع مهم قدرت نرم تلقی می‌شوند. امام علی (ع) شاخص‌ترین الگو در پایبندی به اصول اخلاقی است که به دلیل نگاه اعتباری به قدرت و اصالت دادن به اهداف الهی و تعالی انسانی، به نقش و جایگاه اخلاق در حوزه سیاست و حکومت توجه ویژه داشته و از آن در امر هدایت قدرت سیاسی و رشد معنوی مردم بهره گرفتند. در مکتب توحیدی علوی، سیاست و اخلاق، قابل تفکیک از هم نیستند، بلکه حتی اخلاق رکن سیاست محسوب شده و اخلاقی کردن سیاست یک ضرورت تلقی می‌شود؛ رویکرد امام علی (ع) به اخلاق در حوزه سیاست، بر چهار اصل «اصالت اخلاق و عدم استفاده ابزاری از آن»، «ثبات ارزش‌های اخلاقی و انعطاف‌ناپذیری آن حتی در حادترین شرایط سیاسی»، «کنترل و مهار قدرت توسط اخلاق» و



«همبستگی و پیوستگی اخلاق و سیاست» استوار است. همین امر به کارآیی، کارآمدی و تأثیرگذاری اخلاق در حوزه سیاست منجر خواهد شد و با نهادینه کردن ارزش‌های اخلاق در جامعه، ممانعت از شیوع بی‌اخلاقی در حوزه قدرت سیاسی و حکمرانی، ایجاد سیاست متعالی و تعالی اخلاقی، جلب اعتماد عمومی و ایجاد یکرنگی و یکسانی بین مسئولین و مردم، افزایش تأثیرگذاری زمامداران بر مردم، زمینه‌سازی برای تکامل اخلاقی و معنوی سیاستمداران و کارگزاران و... ضمن تحقق اهداف الهی و تعالی انسانی، ادامه حیات و مشروعیت سیاسی نظام را تضمین کرده و قدرت نرم پایداری تولید می‌کند.

در نظریه قدرت نرم، اما با وجود تأکید بر اخلاق - به عنوان منبع مهم قدرت نرم - به دلیل اولویت یافتن اهداف و منافع سیاسی و حاکم بودن نگرش جدایی اخلاق از سیاست، راهبرد تقدم منافع بر اخلاق به ویژه به هنگام تزاخم بین این دو امر، غالب است؛ در این رویکرد، نگاهی نسبی‌گرایانه، سودگرایانه و ابزار به ارزش‌های اخلاقی حاکم است و همین امر باعث می‌شود، نه تنها اخلاق کارآمدی و تأثیرگذاری لازم را در جلب اعتماد عمومی و همراهی مردم با اهداف حکومت نداشته باشد، بلکه حتی به رواج بی‌اخلاقی در سیاست و انزجار مردم از حکومت منجر شود و زمینه فروپاشی نظام سیاسی را فراهم آورد که با مفهوم و هدف اولیه نظریه قدرت نرم در تضاد است.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم.  
 \* نهج البلاغه. (صبحی صالح). (۱۴۱۴ق). قم: موسسه دار الهجره.  
 ۱. ابن ابی الحدید. عبدالحمید بن هبة الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. قم. مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.  
 ۲. ابن اعثم کوفی. (۱۳۷۲). الفتوح. (ترجمه: محمد مستوفی). تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.  
 ۳. ابن شهر آشوب. محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). مناقب آل ابی طالب. بیروت: دارالأضواء.  
 ۴. ابن عبد ربه. احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). العقد الفرید. بیروت: دارالکتب العلمیه.  
 ۵. ابن عساکر. علی بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب تاریخ دمشق. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
 ۶. ابن قتیبه دینوری. (بی تا). الامامة و السياسة. (تحقیق طه محمد الزینی). بیروت: دارالمعرفة.  
 ۷. ابن مزاحم نصر. (۱۴۰۴ق). وقعة صفین. (تحقیق: عبدالسلام محمد هارون). قم: چاپ افست.

۸. اسلامی اردکانی. سید حسن. (۱۳۸۲). دروغ مصلحت‌آمیز؛ بحثی در مفهوم و گستره آن. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۹. اسلامی. سید حسن. (۱۳۸۱). امام، اخلاق، سیاست. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. افتخاری. اصغر و همکاران. (۱۳۸۷). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. آشوری. داریوش. (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
۱۲. باقری چومکانی. سیامک و حسینی. حسین. (۱۳۹۴). «نقش اخلاق سیاسی در اعتبار بخشی به بعد سیاسی ساخت درونی قدرت». فصلنامه آفاق امنیت. ۸(۲۸)، ۳۱-۵.
۱۳. بلاذری. احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). انساب الاشراف. (تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی). بیروت: دارالفکر.
۱۴. بیکی. مهدی. (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. (چاپ دوم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. پوراحمدی. حسین و جعفری پناه. مهدی. (۱۳۹۱). اخلاق به مثابه قدرت نرم با رویکرد اسلامی. فصلنامه علوم سیاسی. ش ۵۷.
۱۶. پوراحمدی. حسین. (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب
۱۷. تیمی آمدی. عبدالواحد. (۱۳۷۳). غررالحکم و درر الکلم. (چاپ پنجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. جکوئیز هایمنز و دیگران. (۱۳۹۴). مطالعه موردی قدرت نرم. (ترجمه: سید محسن روحانی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. حکیمی. محمدرضا. (۱۳۸۰). الحیاء. (ترجمه: احمد آرام. چاپ چهارم). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. خویی. میرزا حبیب الله. (۱۳۵۸). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. سیدابراهیم میانجی. مکتبه الاسلامیه.
۲۱. دلشادتهرانی. مصطفی. (۱۳۹۲). لوح بینایی. (تحلیل تاریخ حکومت امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه). تهران: انتشارات دریا.
۲۲. دینوری. احمدبن داوود. (۱۳۳۰). الاخبار الطوال. قاهره: مطبعة السعادة.
۲۳. رهپیک. سیامک. (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی: شاخص‌ها و ابعاد. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۴. رینولد ترزا. (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا. (ترجمه: مجید رسولی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
۲۵. زرشناس. شهریار. (۱۳۷۸). اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران. تهران: انتشارات کیهان.
۲۶. شیخ مفید. محمدبن محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصرة. بیروت: انتشارات دارالمفید.
۲۷. صدرا. علیرضا. (۱۳۸۳). تعامل اخلاق و سیاست. فصلنامه علوم سیاسی. ۷(۲۶).



۱۴۳

۲۸. طبرسی. ابومنصور احمد بن علی. (بی تا). الاحتجاج علی أهل اللجاج. قم: دارالاسوه.
۲۹. طبری. محمد بن جریر. (۱۹۸۹). تاریخ الطبری. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۰. علیخانی. علی اکبر. (۱۳۸۲). اخلاق و سیاست در نگرش و روش امام علی (ع). علوم سیاسی. ۶ (۲۳).
۳۱. عیوضی. محمد رحیم. (۱۳۸۳). اخلاق و سیاست. کتاب نقد، ۸ (۳۰).
۳۲. غرویانی. محسن. (۱۳۷۹). فلسفه اخلاق. قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه
۳۳. قاضی نعمان. (نعمان بن محمد). (۱۳۷۳). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام. (ترجمه: عبدالله امیدوار). قم: نشر اسماعیلیان.
۳۴. کاظمی. علی اصغر. (۱۳۶۹). نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل. تهران: نشر قومس.
۳۵. گلشن پژوه. محمود رضا. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی دفتر گسترش تولید علم.
۳۶. لک زایی. نجف. (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی صدرالمتهین. قم: مؤسسه بوستان کتاب
۳۷. مجلسی. محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۸. المسعودی. علی بن الحسین. (۱۴۰۶ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. بیروت: دار الكتاب العلمیه.
۳۹. مصباح یزدی. محمد تقی. (۱۳۸۷). نظریه سیاسی اسلام. تهران: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۴۰. منقری. نصر این مزاحم. (۱۳۸۲). وقعة صفین. (تحقیق: عبدالسلام محمد هارون). قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
۴۱. مهاجرنیا. محسن. (۱۳۹۴). اخلاق سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی. فصلنامه علوم سیاسی. دانشگاه باقرالعلوم. ۱۸ (۷۰).
۴۲. میلسون. ژان و دیگران. (۱۳۸۷). دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل. (ترجمه: رضا کلهر و سید محسن روحانی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴۳. نای. جوزف. (۱۳۸۷الف). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل. (ترجمه: سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴۴. نای. جوزف. (۱۳۸۷ب). رهبری و قدرت هوشمند. (ترجمه: محمود رضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۴۵. نائینی. علی محمد. (۱۳۸۸). جهانی شدن فرهنگ و تهدید امنیت ملی. تهران: نشر ساقی.
۴۶. نبوی. سیدعباس. (۱۳۷۹). فلسفه قدرت. قم: انتشارات سمت.
۴۷. هرسیچ. حسین؛ تویسرکانی. مجتبی. (۱۳۸۹). تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۳ (۹).
۴۸. هیوود. اندرو. (۱۳۸۸). مقدمه نظریه سیاسی. (ترجمه: عبدالرحمن عالم. چاپ دوم). تهران: نشر قومس.

۴۹. الیاسی. محمدحسین. (۱۳۸۸). ماهیت و عناصر قدرت نرم. تهران: نشر ساقی.
۵۰. یعقوبی. احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۸۹). تاریخ یعقوبی. (ترجمه: محمدابراهیم آیتی. چاپ یازدهم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۱. یوسفی. جعفر. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمانهای اسلامی و لیبرال دموکراسی. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

52. Ferguson, N. (2007). *The War of the World*. New York: Penguin Books.
53. Gary, H. (2004). *The Fourth Power*. New York: Oxford University Press.
54. Jeffrey, H. (1998). *Religious soft power and international relation*. London: Metropolitan.
55. Nye, J. (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. PublicAffairs.
56. Nye. J. (March 1990). The Misleading Metaphor of Decline. *The Atlantic Monthly*. pp. 86-89.
57. Tucker, R. & Hendrickson. D., (2004). *Iraq and US. legitimacy*. Foreign Affairs. (November/ December).



